



The Evolution of the Meaning of the Word Nurse Based on the Classical Texts of Persian Literature

Mahmoodi A^{1*}, Mahmoodi M²

1- Faculty Member of Nursing Department, of Islamic Azad University of Dehaghan, Isfahan, Iran.

2- Associate Professor of Persian Literature of Islamic Azad University of Dehaghan, Isfahan, Iran.

Corresponding Author: Mahmoodi A, Faculty Member of Nursing Department, of Islamic Azad University of Dehaghan, Isfahan, Iran.

Email: mahmoodi.a53@gmail.com

Received: 20 Feb 2022

Accepted: 20 June 2022

Abstract

Introduction: The semantic evolution of a word over time is inevitable, indicating a social, political, religious or cultural process. Nurse is one of the words that has a significant presence in Persian literature texts and has been used in many different meanings such as slave, servan, maid, devotee, obedient, patient and preserver. The purpose of this study is to show its semantic evolution by using the views of linguists and reviewing literary texts.

Methods: This research is a library study, which has been done by descriptive-analytical method. By referring to some classical texts of Persian language and by studying various articles and books and searching in valid databases, Like Magiran, SID, noormags, civilica, the materials were collected and the information obtained after analysis was presented in a regular format. Search keywords include nurse, Persian literature, meaning.

Results: In this study, the works of poets and writers of Persian literature from the fourth century to the contemporary century (more than 70 works) were examined, based on which it was determined: Shahnameh is one of the oldest literary texts in which the word nurse can be seen with high frequency. The semantic range of this word expands from the fifth century onwards with the expansion of the field of Persian language and the greater frequency of prose and poetic works. And finds new meanings. It seems that the word nurse was rarely used in the modern sense until today before the eleventh century.

Conclusions: The results of this study indicate a semantic change in the nurse in the classical texts of Persian literature. This semantic change has manifested itself in periods in the form of semantic development and in periods in the form of semantic allocation. Also, based on the findings of this study, it was found that this word has changed from meaning to whole to meaning to part and from general to specific meaning.

Keywords: Nurse, Meaning, Transformation, Persian literature.



سیر تحول معنایی واژه‌ی پرستار در متون کلاسیک ادب فارسی: مطالعه مروری

اعظم محمودی^{۱*}، مریم محمودی^۲

۱- مربی پرستاری واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

نویسنده مسئول: اعظم محمودی، مربی پرستاری واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.
ایمیل: mahmoodi.a53@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱

چکیده

مقدمه: پرستار از واژه‌هایی است که در متون ادب فارسی در معانی متفاوتی به کار رفته است. هدف از پژوهش حاضر سیر تحول معنایی واژه پرستار در متون کلاسیک ادب فارسی است.

روش کار: این پژوهش، یک مطالعه کتابخانه‌ای است، که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. با مراجعه به برخی از متون کلاسیک زبان فارسی و با مطالعه مقالات و کتاب‌های مختلف و جستجو در بانک‌های اطلاعاتی معتبر مانند Magiran, SID, noormags, civilica گنجور، ایرانداک، مطالب مورد نظر گردآوری و اطلاعات بدست آمده پس از تجزیه و تحلیل در قالبی منظم ارائه گردید در این پژوهش آثار شاعران و نویسندگان ادب فارسی از قرن چهارم تا قرن معاصر (بیش از ۷۰ اثر) و ۱۰ مقاله در بازه زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفت. کلیدواژه‌های جست و جو شامل پرستار، ادبیات فارسی، تحول و معنا بوده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش به صورت ریشه‌شناسی واژه پرستار و واژه پرستار در متون ادبی، دسته‌بندی شد که بر این اساس مشخص شد، کلمه پرستار در متون ادبی معانی متفاوتی دارد از جمله: کنیز، خدمتکار، مطیع، عبادت کننده، بیماربان، بیماردار. دامنه معنایی واژه پرستار از قرن پنجم به بعد گسترده تر می شود. چنین به نظر می رسد که واژه پرستار تا قبل از قرن یازدهم بندرت و تنها در یک مورد در معنای امروزی به کار رفته است.

نتیجه گیری: این پژوهش نشان می دهد تغییر معنایی واژه پرستار، در دوره‌هایی به شکل توسعه معنایی و در ادواری به شکل تخصیص معنایی جلوه گر شده و از دلالت بر کل به دلالت بر جزء و از معنای عام به خاص تغییر یافته است.
کلیدواژه‌ها: پرستار، معنا، تحول، ادبیات فارسی.

مقدمه

دوران‌های مختلف زندگی بر انسان رخ می‌دهد و از آن‌جا که آدمی موجودی پویاست، امکان بازداشت تغییر زبانی وجود ندارد» (۱). واژه‌ها در طول زمان، بنا به علل مختلف فرهنگی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی، ارتقاء سطح آگاهی و پیشرفت دانش اهل زبان، متحول می‌شوند. در این تحولات زبانی گاهی برخی از واژه‌ها چنان تغییر معنا پیدا می‌کنند که در مواردی معنای اولیه آن‌ها برای اهل زبان ناشناس و غیرقابل درک می‌شود. در تحول معنایی واژه‌ها گاه با

زبان ابزاری برای ارتباط زبانی و ادبی بین مردمان و نسل‌ها است. اما دگرگونی و ویژگی همه زبان‌های زنده دنیا است. جوامع انسانی دگرگون می‌شوند و به دنبال آن تغییر و تحول در زبان نیز امری اجتناب ناپذیر و همیشگی است که «با قوانین عام تغییر و تحول در زندگی بشر، مرتبط است؛ زیرا زبان پدیده‌ای اجتماعی بوده و متأثر از احوال و اوضاع عام و مشترک بین یک ملت است که در

روش کار

این پژوهش، یک مطالعه مروری جامع است، که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. با مراجعه به متون کلاسیک زبان فارسی و با مطالعه مقالات و کتاب های مختلف و جستجو در بانک های اطلاعاتی معتبر مانند Magiran, SID, Noormags, Civilica, گنجور، ایراندک، مطالب مورد نظر گردآوری و اطلاعات بدست آمده پس از تجزیه و تحلیل در قالبی منظم ارائه گردید. کلیدواژه های جست و جو شامل پرستار، ادبیات فارسی، تحول و معنا بوده است. منبع اصلی این پژوهش آثار شاعران و نویسندگان ادب فارسی از قرن چهارم تا قرن معاصر (بیش از ۷۰ اثر) و ۱۰ مقاله در بازه زمانی ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۹ است. این آثار با دقت بررسی و فیش برداری شد. در ادامه تحقیق نمونه های تکراری و غیرمرتبط با عنوان حذف و تنها به شواهد مرتبط اکتفا شد.

دلیل آنکه متون ادبی کلاسیک فارسی برای بررسی سیر تحول معنایی پرستار انتخاب شد آن است که تنها از طریق زبان و شیوه های متفاوت تولید آن معانی بازتولید می شوند و هر صورت بندی اجتماعی ویژگی خاص خود را دارد، شعرا و نویسندگان در هر دوره تاریخی نمایندگان صورت بندی جامعه خود هستند که هویت و اصالت زبان و ادبیات فارسی در گرو همت و تلاش این آنهاست. از سوی دیگر آگاهی آنها از مسائل جامعه و بالیدنشان در بطن جامعه اهمیت متون ادبی را افزون کرده است.

این پژوهش مروری با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام شد، لذا ملاحظات اخلاقی مربوط به استفاده از آثار و متون منتشر شده شامل رعایت اصل امانت داری و صداقت در استناد به متون، اصالت منابع و پرهیز از جانب داری در مراجعه به متون یا تحلیل ها، رعایت شده است.

یافته ها

در این پژوهش مجموعاً سیزده سند مورد استفاده قرار گرفت. و یافته ها به صورت ریشه شناسی واژه پرستار و واژه پرستار در متون ادبی به شکل زیر دسته بندی شد.

واژه هایی مواجه می شویم که معنایی مستعمل و متروک دارند و در زبان امروز استفاده نمی شوند. گاه واژه هایی هستند که با حفظ معنای قدیم خود امروز معنای جدید یافته اند. در مواردی واژه معنای قدیم خود را از دست داده و معنای جدید یافته است، و بالاخره واژه هایی هستند که دیگر در زبان استفاده نمی شوند. بدین ترتیب باید گفت در فرایند تغییر معنایی کلمه گاه تمام و گاه بخشی از معنای خود را از دست می دهد. تحول معنایی واژه ها از جمله موضوعاتی است که در بررسی های معناسناختی قابل طرح است. شناخت تحول معنایی کلمات به مخاطب کمک می کند متون را به خوبی و درستی بفهمد و در تعیین مصداق و مفهوم آنها با مشکل مواجه نشود زیرا در تمامی آثار مکتوب فهم دقیق و درست متن و توجه به لایه زبانی؛ از جمله سطح واژگانی اهمیت بسیار دارد.

پرستار از جمله واژه های کهن و تاریخی و ریشه دار است که به لحاظ کارکرد دچار تغییر و تحول شده است. وجوه متفاوت معنایی این کلمه گاه باعث بدفهمی متون ادبی شده است. مثلاً در مقاله ای که در یکی از مجلات با عنوان «مضامین اخلاقی پرستاری در شاهنامه» (۲) چاپ شده است؛ نویسندگان بدون آن که دریابند کلمه پرستار در شاهنامه به چه معنایی بکار رفته است؛ آن را به معنا و مفهوم امروزی تلقی کرده اند و به نتایج بی ربط و اشتباهی رسیده اند!! برای شناختن بیشتر مفهوم این واژه پیگیری تحولات مفهومی آن که بیان کننده تغییرات و تحولات کارکردی و ساختاری آنست ضروری به نظر می رسد. کشف و تبیین دقیق معنای واژه ها با توجه به مباحث زبان شناسی و فهم کارکرد واژه ها در سیاق کلام از گام های اساسی در دریافت متون ادبی و تاریخی است. در این مقاله تغییر و تحول این کلمه و سیر و ضرورت معنایی آن بررسی و به این پرسش ها پاسخ داده خواهد شد که: لغویون پرستار را چگونه معنا کرده اند و این واژه در آثار آنها چه تحولات معنایی داشته است؟ این واژه از چه زمانی وارد متون ادبی شده است؟ آیا بررسی مفهومی این واژه نشان دهنده تحولات معنایی و کارکردی آن است؟ نویسندگان می کوشند با جستجو در منابع ادبی به این پرسش ها پاسخ دهند و تحولات معنایی و ساختاری را ترسیم نمایند.

عنوان سند در صورت لزوم	نویسنده / سال سند	شواهد	ابعاد فرعی	ابعاد اصلی
برهان قاطع	محمد بن خلف تبریزی / قرن ۱۱ میرزا علی اکبرخان نفیسی / ۱۳۹۴	کنیز و خدمتکار و مطیع و منقاد و عبادت کنند.		
فرهنگ نفیسی	علی اکبر دهخدا / ۱۳۷۷	بیماردار و خدمتکار		ریشه شناسی واژه پرستار
لغتنامه	زرتشت	بنده، عبید، برده، چاکر، خادم، غلام، نوکر. کنیز، کنیزک. عابد و پرستنده، فرمانبردار و مطیع.		
لوستا/وندیداد		بیماربان، بیماروان، بیماردار، مریضدار، تیماردار. پاسدار، حافظ، حارس.		
گزیده های زاداسپریم	زاداسپریم / قرن ۳	نگهدارنده آتش مقدس نگهدارنده		
شاهنامه	حکیم ابوالقاسم فردوسی / قرن ۴ و ۵	به هر برزنی بر فزون از هزار پرستار با طوق و با گوشوار	خدمتکار و غلام و بنده	
گلستان	سعدی شیرازی / قرن ۷	صاحب دعوت گفت: ای بار! زمانی توقف کن که پرستارانم کوفته بریان می سازند.	پرستنده در معنای خدمتکار و پرستار	
هفت پیکر	نظامی گنجوی / قرن ۶	از پرستنده خواست جامی شیر هر دو دروی فشاند و گفت بگیر	پرستشگری، معادل پرستار در معنای خدمتکار	
هفت پیکر	نظامی گنجوی / قرن ۶	پیر چون دید میهمان برجست به پرستشگری میان در بست	پرستار در معنای عبادت کننده	
مرزبان نامه	سعدالدین وروینی / قرن ۷	که تویی خدای جبار و مادرم تو را پرستار.	پرستار در معنای مطیع و فرمانبر	واژه پرستار در متون ادبی
بوستان	سعدی شیرازی / قرن ۷	پرستار امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس	پرستار در معنای زن و همسر	
گنجینه الاسرار	عمان سامانی / قرن ۱۳	همان به که این نقود عالی و عقود لثالی را مجموعهمپردازی و دیباچه آن را به القاب خاص پرستاران کریمه عصر که ذکر محمدمت و مکرمت ایشان بیرون از حد و حصرست.	پرستار در معنای دایه و محافظ کودک	
معراج السعاده	ملا احمد نراقی / قرن ۱۳	«به چشم خود دیده‌ایم که اطفالی که نگاهبان و پرستار متعدد دارند هلاک شده‌اند.	بیماردار و مریض دار	
دیوان شعر	کلیم کاشانی / قرن ۱۱	بسی مینالم و یاری ز بخت خود نمیبینم چو بیماری که در خواب گران باشد پرستارش		

بحث

می شود. «برخی از کلمات وجود دارند که به خودی خود دارای معانی مختلف هستند که چنین واژگانی چند معنا نامیده می شوند» (۷). در ارتباط با چندمعنایی، گویشوران معناهای متفاوتی از یک واژه در ذهنشان نظر دارند و دریافت های مناسب از آن ها استفاده می کنند.

از نظر دستوری پرستار صفت فاعلی مرکب از بن مضارع (از

ریشه شناسی در مطالعه تاریخی کلمات و مفاهیم بسیار موثر است، مخصوصاً آنجا که یک کلمه دارای معانی متعددی باشد ریشه شناسی و کشف هسته معنایی کلمه در دستیابی به معنای نخست کمک فراوانی به پژوهشگر می کند. پرستار جزء کلمات چندمعنا در زبان فارسی تلقی

است و در شعر صائب و شاعران پس از او به کرات مفهوم امروزی این کلمه مورد نظر بوده است. صائب واژه پرستار را در معانی مختلف و از جمله در معنای امروزی در بسامد بالایی استفاده کرده است

براساس آنچه گفته شد تحولات معنایی زیر برای واژه پرستار قابل دریافت است:

۱- از دلالت بر کل به دلالت بر جزء: با بررسی متون ادبی روشن شد که پرستار دارای یک معنای کلی یعنی خدمت کردن بوده است که امروزه این معنا تغییر کرده و هنر و خدمتی را در برنمی گیرد بلکه تنها شامل خدمت و مراقبت از بیمار می شود.

۲- از معنای عام به خاص: با توجه به منابع موجود اگر پرستار را در معنای خدمتکار در نظر بگیریم معنایی عام برای آن قائل شده ایم، اما وقتی آن را در معنای شخصی که از بیمار مراقبت می کند به کار می بریم معنایی خاص می یابد.

در هر دو شکل مذکور؛ از دلالت بر کل به دلالت بر جزء و از معنای عام به خاص واژه به نوعی تخصیص معنایی یافته است.

«تغییر معنایی گاهی به دلیل نیاز گویشوران به نامی جدید برای مفهومی جدید است» (۱۰). انتخاب مفهوم جدید برای یک واژه براساس مشابهت انجام می شود؛ یعنی از مفهوم قدیمی به دلیل شباهتش با مفهوم جدید بهره می گیرند زیرا توسیع معنایی کلمه با گذشت زمان منجر به چند معنایی آن می شود.

فرایند توسیع معنایی سبب چندمعنایی واژه پرستار شده است. چندمعنایی یکی از انواع روابط مفهومی یا واژگانی است که ممکن است در سطوح مختلفی مانند تکواژ، واژه، گروه و جمله مطرح شود. در سنت مطالعه معنی، چندمعنایی تنها در سطح واژه اهمیت دارد و تحلیل آن نیز به همین سطح محدود شده است. چندمعنایی در شرایطی تحقق می یابد که یک واحد زبانی از چندمعنی برخوردار باشد و در مقوله دلالت چندگانه امکان یابد (۱۱). از منظر معنی شناسان شناختی معنی اصلی این کلمه در آغاز به صورت پیش نمونه خدمتکار مطرح شده، سپس معنای ثانویه دیگر در فاصله دورتری از آن قرار گرفته اند.

براساس شواهد ذکر شده معلوم شد که «پرستار» توسیع معنایی پیدا کرده است و در مفهوم چاکر و خادم و غلام، عابد و پرستنده، فرمانبردار و مطیع، بیماردار، پاسدار به کار رفته

فعل پرستیدن) و «ار» است. «پسوندها ar ایرانی میانه غربی، به صورت ar به فارسی دری رسیده است. این پسوند در موارد زیر به کار می رود:

۱. برای ساختن صفت فاعلی از ماده ماضی: نمود-ار، مرد-ار، خواست-ار.

۲. برای ساختن اسم مصدر از ماده ماضی: رفت-ار، دید-ار. ار در پرستار از ماده مضارع صفت فاعلی ساخته است. (۸). بدین ترتیب در این کاربرد پسوند «ار» در معنای فاعلیت و مبالغه و شغل به کار رفته است. (۹).

کلمه پرستار همچنان که گفته شد از مصدر پرستیدن است. پرستیدن در متون کهن گاهی در معنای خدمت کردن است. در ترکیباتی نظیر آتش پرست، معشوقه پرست، جادوپرست، خسروپرست، سپهبدپرست، آذرپرست، خویش پرست، دوست پرست، مهترپرست، مهمان پرست همین معنای پرستیدن مورد نظر است.

بدین ترتیب پرستار نیز به کرات در متون ادبی و کهن در معنای مطلق خدمتکار و غلام و بنده آمده است. فردوسی نیز گاهی پرستار را در معنای کنیز زن بکار برده است. مویذ آن ابیاتی است که پرستار را در کنار غلام آورده است. فردوسی پرستار را در این معنا در کنار مزدور هم آورده است. از دیگر معنای پرستیدن، عبادت کردن است. با این معنا پرستار هم گاهی در معنای عبادت کننده بکار رفته است. پرستیدن به معنای اطاعت و فرمانبری کردن هم آمده و پرستار در معنای مطیع و فرمانبر است.

پرستار در معنی دایه و محافظ کودک هم کاربرد داشته است؛ در این معنا پرستار معادل کلمه دایه است. پرستنده در معنای پرستار با دایه که در متون تاریخی و ادبی کاربرد فراوان داشته مترادف است.

معنایی که امروزه از واژه پرستار مورد نظر است کسی است که از بیمار مراقبت می کند یعنی بیماردار و مریض دار. این معنا هم در متون ادبی کاربرد داشته است.

شواهد مذکور نشان می دهد شاهنامه از جمله قدیم ترین متون ادبی است که کلمه پرستار با بسامد بالا در آن دیده می شود که در شواهد منقول از این کتاب به مفهوم آن اشاره شد. دامنه معنایی این کلمه از قرن پنجم به بعد و با گسترش حوزه زبان فارسی و فراوانی بیشتر آثار منثور و منظوم گسترده تر می شود و معنای جدیدی می یابد. چنین به نظر می رسد که واژه پرستار تا قبل از قرن یازدهم به ندرت و تنها در یک مورد در معنای امروزی به کار رفته

تمایز دست یافت. در این موارد برخی بر این باورند که چندمعنایی محصول واژه نیست؛ بلکه این پدیده در بافت های مختلف در نظر گرفته می شود» (۱۲).

نتیجه گیری

این پژوهش کوششی بود برای بررسی تحول معنایی واژه پرستار که براساس مطالعه متون ادب فارسی در طول زمان با روش معناشناسی تاریخی مشخص شد پرستار واژه ای چند معناست که بطور قطع یک معنای ثابت و همیشگی برای آن نمی توان در نظر گرفت و تحول معنایی آن از مقایسه تغییر معنایی از یک مقطع زمانی به زمانی دیگر و از متنی به متن دیگر قابل دریافت خواهد بود. این کلمه در متون ادب فارسی تا قرن یازدهم با توسیع معنایی، بیشتر به معنی بنده، چاکر، خادم، غلام، نوکر، کنیز، عابد، فرمانبردار، بیماردار، تیماردار و نگهبان به کار رفته است. از قرن یازدهم این واژه با تخصیص معنایی و از طریق مجاز به علاقه جزء به کل بیشتر به معنای بیماردار و مراقبت کننده از بیمار یعنی همان مفهوم امروزی، استفاده شده است. بدین ترتیب مشخص شد که در معنا و مفهوم واژه پرستار در طول زمان تغییر و تحولاتی رخ داده است که از جمله آنها می توان به تحول از دلالت بر کل به دلالت بر جزء و تحول از معنای عام به خاص یا تخصیص معنایی اشاره کرد.

تضاد منافع

در این پژوهش هیچ گونه تضاد منافی برای نویسندگان وجود ندارد.

است. یک صورت زبانی مانند «پرستار» می تواند در یک مقطع زمانی از چند معنی برخوردار باشد یا در طول زمان معانی متفاوتی پیدا کند. قابل ذکر است دریافت مفهوم مورد نظر هنگامی امکان پذیر است که واژه پرستار در بافت جمله قرار بگیرد. به عبارت دیگر «این واژه به تنهایی و بیرون از بافت می تواند دارای نوعی معنی باشد که در واقع معنی بی نشان محسوب می شود و بر اساس بسامد وقوع بیشتر به عنوان معنی اصلی در نظر گرفته می شود» (۱۱). بطور کلی در مسئله تحول معنایی واژه ها از جمله واژه پرستار همه معانی به نوعی با معنای اصلی مرتبط است. یعنی همان لفظ اصلی در شرایط متفاوت و سیاق مختلف، معانی مختلفی را در برمی گیرد. هم نشینی معنایی کلمات می تواند در دریافت مفهوم مورد نظر موثر باشد. هم نشینی واژه های رنجور، ناله، همدردی، خسته، درد، طیب، بالین، زخم، سل، بیمار، بیماری، دارشفا با واژه پرستار در دریافت مفهوم مورد نظر شاعر از این کلمه موثر است. اگر بپذیریم که واژه های زبان در هم نشینی با یکدیگر تحت تاثیر قرار می گیرند و تغییر معنی می دهند به لحاظ نظری می توان پذیرفت که چنین تغییری به افزایش و کاهش معنایی منجر می شود. (۱۱) به عبارت دیگر ساختار زبان بسیار نظام مند است و اجزای آن چونان حلقه های زنجیر به هم متصل و مرتبطند. در زبان خودکار و متداول بیشتر واژه ها در هم نشینی با واژه های دیگر در معنا دچار تغییر می شوند. «با وجود آن که در بسیاری از موارد واژه های چندمعنا از واژه های تک معنا قابل تشخیص هستند؛ اما در مواردی هم هست که با قاطعیت نمی توان به این

References

1. BOstani q. Semantic change of words in the Quran. Quranic Linguistic Research 2016; 4 (2): 37-58.
2. Mirhaghi AH . Ethical themes of nursing in Shahnameh. Nursing Research 2014; 8(28):1-8.
3. Safavi, K, Introduction to Semantics, Tehran: Islamic Propaganda Organization, 2000.
4. Gandomkar R. Semantic expansion in Persian; A case study of verbs. Linguistic Essays 2020; (53): 233- 256.
5. Changizi A., Hosseini Matek A. Semantic developments. Bar, Linguistic Research 2020;9(2); 89-107.
6. Safavi, K . Introduction to the semiotics of literature, Tehran: Elmi, 2014

7. Palmer, F .; R, Alam al-Dalalah, Attar Jadid, translated by Sabri Ibrahim al-Sayyid, Dar al-Marifah al-Jame'iyah, Jamiat Ain al-Shams, 1995.
8. Bahar M. Excerpts from Zad Spraham, Tehran: Iran Zamin Culture Foundation, 1979.
9. Mansouri, Y. A Study of the Etymology of Pahlavi Language Verbs, Tehran: Works, 2005.
10. Amini A, Niazi Sh. The nature and consequences of the semantic evolution of Arabic words in Persian. Linguistic Essays 2016; 6 (23): 53-
11. Safavi, K . From Linguistics to Literature, Vol. 1: Order, Tehran: Cheshmeh, 1994.
12. Dehghan M, Parvini Rad Z. Polysemy of conjunctions in Persian. Linguistic Essays 2020; 10 (3): 191-212.